

وقتی آقای رئیسی دربارهٔ جمهوریت صحبت می‌کند به معنای کامل جمهوریت اعتقاد دارد، نه جمهوریت به معنای بازی لیبرال دموکراسی، بلکه جمهوریت به معنای عاملیت مردم مدنظر است؛ مثلاً در حوزه اقتصاد آقای رئیسی از مردمی‌سازی اقتصاد می‌گوید و در حوزه فرهنگ از مردمی‌سازی فرهنگ می‌گوید. یعنی این مسائل را به دل مردم برده است، تصمیم‌گیری‌ها در منظر مردم اتفاق می‌افتد. این یعنی اعتقاد جدی به مردم.

را با دوستانمان مدیریت می‌کردیم. شاید این مجموعه آماري که آماده شد کمتر جایی کار شده باشد. تقریباً از سه چهار ماه مانده به انتخابات هر پانزده روز یک‌بار، بعد هر هفته یک‌بار و در بیست روز آخر هر روز یک‌بار پیمایش انجام دادیم؛ مثلاً در آن پیمایش‌های اولیه حضور آقای رئیسی را در مقایسه با حضور همهٔ نامزدهای احتمالی از آقای احمدی‌نژاد، آقای خاتمی، آقای ظریف، آقای لاریجانی، آقای جهانگیری، یعنی هرکسی را فرض می‌کردیم ممکن است بیاید نامزد بشود، آورده بودیم. کاری نداشتیم از صافی شورای نگهبان رد می‌شود یا نه. ما این کار را به عنوان یک کار مرتبط با خودمان پیمایش می‌کردیم که آیا مثلاً گزیری هست از اینکه آقای رئیسی در انتخابات نیاید و بشود قانع شد که کشور راهی غیر از حضور ایشان هم دارد یا نه. عجیب بود که در همهٔ نظرسنجی‌هایی که داشتیم، از دی ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰، آقای رئیسی با اختلاف بسیار زیادی رتبهٔ اول را داشت و بقیه در رده‌های به شدت پایینی بودند. به این دلیل که بحث علمی انجام می‌دهیم باید دربارهٔ همهٔ واقعیت‌هایی که وجود داشته است، صحبت کنیم. آقای رئیسی حدود ۲۹ تا ۳۰ درصد، سپس آقای احمدی‌نژاد حدود ۱۹ تا ۲۰ درصد، و بقیه زیر ۱۰ درصد بودند. آقای ظریف هم، که محتمل‌ترین نامزد مورد اجماع بین بخش‌های مختلف فرض می‌شد، هیچ‌وقت از ۴ درصد بالاتر نیامد. شاید بد نباشد که زمانی این‌ها را مدون و در یکی از همین شماره‌های نشریه برداشت اول چاپ کنیم؛ زیرا همه موجود است. جالب این بود وقتی آقای رئیسی را از پیمایش‌های انتخابات حذف می‌کردیم، مشارکت در انتخابات ۵۰ درصد کاهش پیدا می‌کرد. بر اساس آمار انتخابات مجلس یازدهم، مشارکت را ۴۰ تا ۴۵ درصد برای انتخابات فرض می‌کردیم. البته این فرض ما بود، بیگانگان که زیر ۳۰ درصد معادله را بررسی می‌کردند و اصلاً کاری نداشتند در انتخابات چه کسی برنده می‌شود؛ مشارکت زیر ۳۰ درصد در انتخابات را شکست انقلاب اسلامی فرض می‌کردند؛ یعنی دشمن بر این اساس برنامه‌ریزی می‌کرد. می‌خواهم ترسیم کنم که ما در سال ۱۴۰۰ با این وجه روبه‌رو بودیم که رغبت به آقای رئیسی به واسطهٔ عملکردش در قوه قضائیه از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹ سه برابر رشد کرده بود. می‌توانم جدول‌ها را به شما نشان بدهم. مرکز تحقیقات صداوسیما هر سال در تیرماه محبوبیت شخصیت‌های سیاسی مشهور را می‌سنجید، محبوبیت آقای رئیسی بالای ۶۰ درصد بود و بقیه مثل آقای روحانی یا آقای ظریف به شدت کاهش پیدا کرده بود. این موضوع فقط برای انتخابات نبود، دربارهٔ مقبولیت عمومی بود. می‌خواهم جمع‌بندی کنم در مورد اینکه چه اتفاقی افتاد: فضای سیاسی کشور به واسطهٔ عملکرد دولت آقای روحانی به شدت دچار سرخوردگی و خمودگی بود، سرمایه اجتماعی کشور آفت شدیدی پیدا کرده بود، محبوبیت رئیس‌جمهور مستقر در روزهای پایانی به زیر ۵ درصد رسیده بود، اصلاً به لحاظ مقبولیت و رضایت عمومی فاجعه بود و ما چنین سابقه‌ای